



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۱۷ فبروری ۲۰۲۱

ناتور رحمانی

(حسابدهی و شفافیت!؟)

وزیرکی را از جمع انبازان به دارالپاسخ بردند تا در پیشگاه ای چند همتای خرد و بزرگ ، کار کشته و گرگ عقب هفت درب بسته ، به پای پرچم پرستاره در کوتاه مدت حداقل سی دقیقه از سیصد و شصت و پنج روز جواب دهد که چی داشته و چی کاشته ، وزیرک ترسید و زبانش بکامش چسپید وقتی صدرالوزرا چنین دید ، چنان نعره ای کشید که وزیرک از ترس بزمین افتاد و تصویر مرد متفکر جهان در قاب فلزی خود تکان خورد .

-- باید لب بگشایی و از زیره تا پودینه بگویی ، نترس گپ ها پیش خود ما میماند ، مه همه از هم و با هم استیم ، امروز به اصطلاح روز حسابدهی است آنهم به شفافیت شیشه ی گیس وزیر صاحب آب و برق ، فهمیدی؟؟

-- فهمیدم ، مگر حسابدهی برای کی ، برای شما که خود همه را میدانید و چون من جوال به آسیاب شخصی میبرید .

-- شما حق ندارید ناگفته ها را بگوئید و پرده برداری کنید، وقتی گفتم زیره و پودینه منظور همانقدر بگوئید که بشود ملت را به حقانیت دموکراسی و شفافیت باورمند ساخت .

وزیرک که از شکار دموکراسی به شعار شفافیت و حسابدهی فکرأ ره میزد و سراب میدید ، بعد کنکاش در مقام اعتراض برآمده گفت :

-- کدام دموکراسی ؟ کدام شفافیت؟؟ اگر واقعاً دموکراسی و حسابدهی مطرح باشد باید آنطرف درب های بسته به پیشگاه ای ملت حساب پس داد ، آنها این حق را دارند از ما پرسش نمایند ، آنها حق دارند بدانند ما چی کردیم و چی نکردیم ، مخصوصاً جناب برآشفته نشوید حسابدهی باید از بالا شروع شود از شخص اول مملکت ، باید از ایشان پرسیده شود که شکم کدام بانک های شرق و

غرب از پول های شان متورم گشته ، و چه مقدار پول های خیراتی دانگ دانگ دنیا را به کدام راه ها مصرف نموده اند ... از من چی میپرسید که از گاو غدودی دارم و از نبوده بودی

-- طرز صحبت کردن شما آقای وزیر طور دیگر نیست، درست که شما سالیان زیادی درین کشور نبوده اید و رسم و راه فریب دادن و اغوا کردن مردم را نمیدانید و یا فراموش کرده اید ، بخاطرتان میاورم این ملت را ما چوکیدار های ترفند باز ، یا اسلاف شیاد ما در طول تاریخ سیاسی این کشور فریب داده و فریب میدهیم ، و همچنان باید یادآور شوم که اگر همینطور دخل در امور بگیرید ، و موی دماغ هر کس و ناکس شوید زود باشد که پایه های لرزان چوکی تان بشکند ، و از فیض سفره ای چرب و گرم بی نصیب شوید ، آقای وزیر شما جوان استید از ما گرگ های باران دیده و باتجربه های سالخورده ای سیاست و کیاست این حرف را آویزه گوش کنید ، از خوان دولت و ملت هم خود خورید و هم موقع بما دهید .

-- میدانم همه را میدانم ، نسلی از موریانه و مور و ملخ افتاده بجان این کشور و مردم آنرا می شناسم ، از همه راز ها و ساز ها ، همه ساختن ها و بافتن های عقب درب ها و پرده های دربار آدمک های وارد شده خبر دارم ، بگذریم گپ بین خود ما باشد من با امید یاری به مردم و خدمت بوطن از دنیای خوشرنگ و آرام، از کنار بحر نیلگون و ساغر پر می گلگون به اینجا آمدم تا کار کنم، مگر شما جهان دیده های(سی یا سی)بر علاوه که نگذاشتید کار کنم، مرا طوری آلوده ساختید که دگر نمی توانم از گوشت سی سی و مزه سی-یاسی بگذرم، مگر در نهاد من در دورترین زوایای آن دیوانه ی است که مرا به گویش حقیقت وامیدارد، اوقات تلخ نشوید جناب صدر

فکر نمی کنید اکنون وقت دیگر نیست ، ملت بدر شده از آزمون زمان و چشیدن تلخی های جنگ ، و شناخت دبله ماران و سیاسی مدارییان دگر فریب بخورند ؟

-- درست، آنها آبدیده شده اند ، مگر شبیه آبی اند که داخل دیگی بجوشند ، وقتی ما دانستیم که فشار بخار آنها را تا سطح انفجار میرساند ، و برای دنیای خورد و برد ما خطر تولید میکند ، با عناوین مختلف سوراخک های در دیگ ایجاد میکنیم تا باد و بخار شان فروکش نماید .

-- مثلاً چطور ؟

-- مثلاً با نمایش ها و بند بازی های جالب و دل مشغول کن ، مثل راه اندازی انتخابات ریاست جمهوری ، انتخابات لوی جرگه و ولسی جرگه ، شورای شهری و ولایتی ، روز حسابدهی وزرا و غیره و غیره ... آنها خوشباورانه می پزیرند که در این همه امور دخیل ، صاحب نظر و اختیار

دار بوده اند ، مگر بیچاره ها نمیدانند که ما با نام شان تجارت میکنیم ، همانطور که اکثر وزرای فعال ما در گذشته با خون شان معامله کردند .

-- ببخشید کمی وضاحت میخواهم .

-- وضاحت همین است ، همه آدمها و آدمک ها قبلاً انتخاب میگردند ، همه پست ها و چوکی ها از پیش تقسیم خویش و قوم ها و دوستان میگردد ، انتخاب در قاموس ما همان انتصاب است که نه شما دانید و نه ملت ، این ما استیم که با نام انتخابات مسخره بازی میکنیم ، صندوق های رأی را تیر و بیر میکنیم، اوراق رأی احمد را در صندوق محمود و از کلبی را در صندوق مقصود میاندازیم ، با رنگ خام شست چی رنگ بازی ها که نمی کنیم ، باز اگر مردم متوجه شده سر و صدا کنند با ایجاد کمیته و کمیته بازی قسماً آن سر و صدا ها را خاموش میسازیم ... گمشکو آقای وزیر ما زور زور آدمها استیم و زور زور کار ها میکنیم ، طورمثال برای یک وزیر کم سواد پانزده مشاور تعیین و مقرر میکنیم ، تا آن باجگیر وابسته به راکتپران به مضیقه نماند و ...

-- میدانستم مگر نه به این وقاحت ، اما در مورد این یکی چی نقشه دارید ؟

-- منظور تانرا نفهمیدم .

-- منظور از راه اندازی حسابدگی و شفافیت است ، که هیچ وزیری قسم شاید و باید در حساب و کتابش شفافیت دیده نشد ، و گزارش گونه از کار وزارت خود در معدوده ای همان چند پروژه گک ، پخته کاری چند سرکک ، ساختن چند خانه گک و گلکاری چند چمنک حرف زدند آنهم دریک پلک زدن .

-- آقای وزیر فکر میکنم شما صبحانه فیل مرغ نوش جان کرده اید ، زیرا یک قسم گنگس تشریف دارید ، کدام حسابدگی ؟ کدام شفافیت ؟

این همه حرف روی یخ زیر آفتاب تموز است ، ما تا هنوز کسی را ندیده ایم که جرات بازپرسی از مرد شماره یک ، تا چهارصد و بیست حکومت و دولت را داشته باشد .

-- یعنی ...

-- یعنی این ملتی گرسنه و فاقه اگر احیاناً جسارت بخرچ دهند ، و با استفاده از یکی از همان سوراخک های دیگ بخار یعنی به اصطلاح (آزادی بیان) به مدد چند گرسنه ی دیگر بنام روشنفکر ، خبرنگار و غیره روزنامه ها را سیاه کنند و ما را رسوا ، آنوقت ملاها و مولوی ها و طالب بچه های خود را بجان شان میاندازیم ، که به یک اشاره آنها را به ریسمان کفرگویی و ارتداد بسته

روزنامه شانرا مصادره ، و خود شانرا پشت نخود سیاه روان کنند ، یا با ترورهای هدفمند یک یک شانرا تکه و پاره نموده راهی او دنیا بسازند .

-- کدام نمونه میتوانید ارایه دهید جناب صدر .

-- بلی . مگر از سرنوشت مدیر مسوول (دهها روزنامه) و (ماهنامه) خبر نداری ، که چطور آنها را به کفر گویی محکوم نموده توهین ، تحقیر و به زندان افگندیم ، گرچه تمام روشنفکران و اتحادیه های چی و چی اعتراض کردند ، نامه ها نوشتند ، احتجاج نمودند و چی کار های دگر... مگر جای را نگرفت و (آزادیخواه ای بیان) هنوز در زندان حقیقت و ایمان را در ذهنش محاسبه میکند ، گپ پیش خود ما باشد بخدا نوشته ی آنها نه کفر گویی بود و نه توهین به مقدسات ، اما ما ازین قسم نورافکن ها می ترسیم ، که اگر با منطق برحق این ها بزرگترین دستاویز یعنی (دین سیاسی) را که پشت و پناه ماست از دست بدهیم ، دگر حکومت کردن بالای این مردم دشوار میگردد ، در گذشته ها نیز چنین بوده و زمامداران مستبد و خود کامه از همین شیوه برای سرکوب مردم کار گرفته اند .

-- ببخشید جناب گپ ها چون آفتاب روشن است ، و چون حقوق زن این دیار پایمال ، مگر از موضوع دور رفتیم ، گپ سر شفافیت و حسابدگی بود ...

-- پیشتر گفتم که شما گنگس تشریف دارید دروغ نگفتم ، همو یک چند ملیارد دالرک که دوستان خارجی ما لطف یا کوچک نوازی کردند ، این مردم داد و فریاد را راه انداخته اند که بما حساب دهید آن دالر ها چگونه و در کجا مصرف شده ، که ما نه برق داریم و نه آب ، نه نان داریم و نه کار ، نه دوا داریم و نه سرپناه ... این بلا زده ها نمیدانند که نصف این پول ها بنام معاش ، مزد و اجوره ، بازسازی و کارسازی واپس به جیب همان مشاورین خارجی میریزد ، یک مقدارکش در چرخش پیش اینجوهاست که همو خود ما استیم ، ما نمیکذاریم که این دالرک ها از چنگ ما فرار کند ، و کمی دگر آن هم تکافوی معاش بادیگارد ها ، دربان ها ، قابچی ها ، دایه ها ، موترها ، قصرها ، شب نشینی ها ، عیاشی ها ، سفر ها ، لباس ها ، مصرف خورد و نوش و مصرف روزانه آل و عیال ما را به مشکل میکند ، آقا شوخی نیست هر وزیر صاحب یک لشکر معاش خور شخصی دارد ...

-- و مصرف پروژه های عامه مثل آب و برق ، زراعت و آبیاری ، تعلیم و تربیه ، صحت عامه ، ساختمانی ، شاروالی و غیره و غیره چطور ؟

-- وزیر هر کدام ازین ها را که نام بردید بودجه ای اختصاصی خود را دارند ، آنها برای اینکه به اصطلاح (خاله خاطرت نمانه) از کوهای کار، گاه را اجرا میکنند ، آخر خودشان بیچاره ها هزار مصرف دارند باید بخود هم برسند ، نگفته اند : >> چراغی که در خانه بسوزد، مسجد را صبر است << امیدوارم همه را فهمیده باشی .

-- سراپا همه را فهمیدم و آگاه شدم که حسابدهی و شفافیت چی معنا دارد ، مگر مردم
-- من نفهمیدم ، خودت خدمتگار ما استی یا خدمتگار مردم ؟ راستی ببخشید شما وزیر کدام وزارت استید ؟

-- من وزیر بیکاران و بیماران استم .

« ادامه دارد »